

## A Comparative Study of the Strategic Principles of Civil Proceedings in Iranian and British Law

Zahra Ali<sup>1</sup>, Behnam Habibi Dargah<sup>2\*</sup>, Vahid Ghasemi Ahd<sup>3</sup>

1 .PhD student in private law, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

2 .Assistant Professor, Department of Private Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran: (corresponding author).

3. Assistant Professor, Private Law Department, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 659-675

Article history:

Received: 29 May 2022

Edition: 6 Jul 2022

Accepted: 3 Nov 2022

Published online: 18 Mar 2023

### Keywords:

civil procedure rules, Iranian law, English law, strategic principles, court.

### corresponding author:

Behnam Habibi Dargah

### Address:

Iran, Karaj, Islamic Azad University, Karaj Branch, Department of Private Law.

### Orchid Code:

0000-0003-3813-7259

### Tel:

09121486818

### Email:

drhabibi1361@yahoo.com

### ABSTRACT

**Background and Aim:** The purpose of this article is to review and study the rules of civil procedure (formal and substantive aspects) in Iranian law with a comparative view of England.

**Materials and Methods:** This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

**Findings:** The findings indicate that in English law, the principle of formality of civil proceedings is a set of ceremonies and rituals that must be followed in order to achieve the result expected from the proceedings. In English law, according to the principle of dominance of the parties in civil proceedings, the court does not have jurisdiction to hear, unless each of the litigants Ask it to take such action in accordance with the legal conditions.

**Ethical Considerations:** In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

**Conclusion:** With a comparative study, we reached these results that in civil procedure In England, principles and strategies are implemented whose basis can only be analyzed in the form of the principle of predictability of civil proceedings. These works are a guarantee of fair civil proceedings and usually their realization in practice shows the real commitment of the judicial system to strategic principles.

**Keywords:** civil procedure rules, Iranian law, English law, strategic principles, court.

Cite this article as:

Ali Z, Habibi Dargah B, Ghasemi Ahd V. A Comparative Study of the Strategic Principles of Civil Proceedings in Iranian and British Law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۱

### مطالعه تطبیقی اصول راهبردی در دادرسی مدنی در حقوق ایران و انگلیس

زهرا علی<sup>۱</sup>، بهنام حبیبی درگاه<sup>۲\*</sup>، وحید قاسمی عهد<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** هدف مقاله حاضر بررسی و مطالعه قواعد دادرسی مدنی (بعد شکلی و ماهوی) در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی به کشور انگلیس است.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری و روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتاب‌ها و مقالات صورت گرفته است.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان می‌دهند در حقوق انگلیس اصل تشریفاتی بودن دادرسی مدنی، مجموعه‌ای از تشریفات و آئین‌هایی است که مراعات آن برای نیل به نتیجه‌ای که از دادرسی مورد انتظار است، ضرورت دارد. در حقوق کشور انگلیس مطابق با اصل تسلط طرفین بر دادرسی مدنی، محکمه برای رسیدگی صلاحیتی ندارد؛ مگر آنکه هر یک از اصحاب دعوا با رعایت شرایط قانونی چنین رسیدگی را از آن بخواهند.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**نتیجه‌گیری:** با بررسی تطبیقی به این نتایج دست یافتیم که در آئین دادرسی مدنی انگلیس، اصول و راهبردهایی اجرا می‌شوند که مبنای آن‌ها را تنها در قالب اصل قابل پیش‌بینی بودن دادرسی مدنی می‌توان تحلیل کرد. این آثار، تضمین‌کننده دادرسی منصفانه مدنی هستند و تحقق آن‌ها در مقام عمل، مبین التزام واقعی نظام دادرسی به اصول راهبردی است.

**واژگان کلیدی:** قواعد دادرسی مدنی، حقوق ایران، حقوق انگلیس، اصول راهبردی، دادگاه.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۷۵-۶۵۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

#### واژگان کلیدی:

قواعد دادرسی مدنی، حقوق ایران، حقوق انگلیس، اصول راهبردی، دادگاه.

نویسنده مسئول:

بهنام حبیبی درگاه

آدرس پستی:

ایران، کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه حقوق خصوصی.

کد ارکید:

0000-0003-3813-7259

تلفن:

۰۹۱۲۱۴۸۶۸۱۸

پست الکترونیک:

drhabibi1361@yahoo.com

## ۱. مقدمه

ترور و تروریسم، ابزاری برای ساختارسازی، قدرت و رسیدن به اهداف اقتدارگرایی است.

بی‌شک ایده دادرسی منصفانه، علنی، در یک دادگاه بی‌طرف و مستقل به زمان تصویب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، باز نمی‌گردد. لزوم رعایت حقوق دفاع که اجرای اصل ترافع در صدد تضمین آن است، ریشه در آداب و رسوم قضایی ما دارد و مسلماً مبین جنبه اساسی و ضروری عدالت در دادرسی است. انتشار دفاعیات نیز یک اصل اساسی در حقوق رسیدگی است. اصلی که از مدت‌ها قبل تا کنون ناظر بر قوانین و مقرراتی است که امکان رد دادرسی و ارجاع دعوا به مرجع قضایی دیگر را نیز می‌دهد و هدف آن تضمین بی‌طرفی و استقلال دادگاهی است که دعوا به آن ارجاع شده است. تعارض منافع ابنای بشر در این کره خاکی انسان را به طراحی آئین و شیوه‌های حل و فصل اختلافات ناگزیر کرده است و کمترین کیفیت این راه‌کار نیز پذیرش دخالت شخص ثالث برای حل و فصل دعوی است. دلیل پذیرش دخالت شخص ثالث نیز حذف دادرسی خصوصی است که در آن هر کس شخصاً اقدام به ستاندن داد می‌کرد. بسیاری از اختلافات به‌طور غیر رسمی حل می‌شوند و بخشی دیگر از آن‌ها به‌شکل رسمی و با مراجعه به دادگاه. آنچه موفقیت هر یک از دو شیوه را نشان می‌دهد این است که آیا نتیجه به‌دست‌آمده مورد پذیرش مردم به‌طور کلی و مراجعه‌کنندگان به دادگستری، به‌طور خاص، قرار می‌گیرد یا نه. ایجاد نهادها، وضع قواعد حقوقی و تکمیل آن‌ها برای حل و فصل اختلافات نیازمند وجود آئین دادرسی است. آئین دادرسی نیز فرآیندی است که دادگاه را

در این کار راهنمایی می‌کند و به‌درستی از نتیجه به‌دست‌آمده جدا است.

در این زمینه پژوهش‌هایی انجام شده است. ابهری و برزگر (۱۳۹۸) در کتاب «آئین دادرسی مدنی دعوی و صلاحیت‌ها»، در رابطه با مفهوم و اقسام صلاحیت و اختلاف در صلاحیت مراجع حقوقی و سابقه آن در ایران، ایرادات رسیدگی و اختلافات در صلاحیت بحث کرده است. محسنی (۱۳۹۷) در کتاب اداره «جریان دادرسی مدنی بر پایه همکاری و در چارچوب اصول دادرسی»، عناصر و ویژگی‌های دادرسی، فن و نظریه جریان دادرسی، اصول کلی دادرسی و اصل‌های آن را بیان کرده است. آقایی جنت‌مکان (۱۳۹۶) در کتاب «حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه (دادگرانه): با تأکید بر قانون آئین دادرسی کیفری ایران»، ضمن بیان مفاهیم کلی دادرسی عادلانه، جلوه‌های آن و اصول آن را بررسی کرده است و در ادامه درباره محدودیت‌های اصول دادرسی عادلانه بحث کرده است. علوی (۱۳۹۸) در کتاب «دادرسی عادلانه (بررسی قوانین کاربردی)» مسائل زیر را بیان کرده است: اصول بنیادین ناظر بر حقوق و آزادی‌های متهم، احضار، جلب و بازجویی از متهم از منظر قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، نوآوری‌های احضار، جلب و بازجویی از متهم از منظر قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، نوآوری‌های مرحله کشف جرم، تکلیف دادستان در صورت گذشت شاکی خصوصی در جرم قابل گذشت پس از صدور قرار جلب به دادرسی.

بررسی پیشینه یا سیر تحول تاریخی دادرسی منصفانه به ما کمک می‌کند تا دید درست و تحلیل درستی از موضوع پیدا کنیم.

## ۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

## ۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری و روش آن به صورت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتاب‌ها و مقالات صورت گرفته است.

## ۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌ها نشان می‌دهند که در حقوق انگلیس اصل تشریفاتی بودن دادرسی مدنی، مجموعه‌ای از تشریفات و آئین‌هایی است که مراعات آن برای نیل به نتیجه‌ای که از دادرسی مورد انتظار است، ضرورت دارد. در حقوق کشور انگلیس مطابق با اصل تسلط طرفین بر دادرسی مدنی، محکمه برای رسیدگی صلاحیتی ندارد؛ مگر آنکه هر یک از اصحاب دعوا با رعایت شرایط قانونی چنین رسیدگی را از آن بخواهند. با بررسی تطبیقی به این نتایج دست یافتیم که در آئین دادرسی مدنی انگلیس، اصول و راه-بردهایی اجرا می‌شوند که مبنای آن‌ها را تنها در قالب اصل قابل پیش‌بینی بودن دادرسی مدنی می‌توان تحلیل کرد. این آثار، تضمین‌کننده دادرسی منصفانه مدنی هستند و نوعاً تحقق آن‌ها در مقام عمل، مبین التزام واقعی نظام دادرسی به اصول راهبردی است.

## ۵. بحث

### ۵-۱. اصول راهبردی دادرسی

#### ۵-۱-۱. در حقوق ایران

تعریف اصول راهبردی بستگی به مفهومی خواهد داشت که از حقوق بنیادین ارائه می‌شود. اگر حقوق بنیادین را ترجمان واقعی دسته‌ای از هنجارهای اخلاقی، سیاسی و فلسفی بدانیم که از آبخور آزادی، برابری، مردم‌سالاری و دولت قانون سیراب می‌شوند، اصول بنیادین را نیز باید اصولی قلمداد کنیم که ریشه در این حقوق بنیادین دارند که وجود آن‌ها باعث پایداری و دوام و نبود آن‌ها موجب از هم گسیختگی حیات دادرسی و مشروعیت آن می‌شود. این اصول بنیادین غیر قابل عدول هستند و قانون‌گذار، دادرسی و طرفین دعوا مکلف به رعایت آن هستند و فقط در تعارض با سایر اصول و بدون اینکه ارزش و اعتبار خود را از دست بدهند، ممکن است بر اصل دیگر ترجیح داده شوند (صانعی، ۱۳۸۱، ۳۸۳). این اصول ضامن اجرای عدالت در دادرسی هستند و عدول از آن‌ها در درجه‌ای از اهمیت است که می‌تواند دادرسی، ادله یا تصمیم قضایی را بی‌ارزش و بی‌اعتبار کند. تعارض دو اصل حقوقی با بی‌اعتباری یکی از آن دو پایان نمی‌یابد؛ بلکه فقط اصلی بر اصل دیگر تفوق داده می‌شود. در جایی که قاعده حقوقی اصل کلی را نادیده انگاشته باشد، بهتر است در پی یافتن اصلی دیگر باشیم که بر آن ترجیح یافته است. بر پایه آنچه گفته شد، اگر برخی از اصول بنیادین حقوقی در زمره اصول دادرسی باشند، می‌توان آن‌ها را اصول بنیادین دادرسی نامید. از جمله اصول بنیادین دادرسی که در قانون اساسی ایران به رسمیت شناخته شده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: حق دادخواهی و حق دسترسی به دادگاه (اصل ۳۴ ق.ا)، حق برخورداری از وکیل (اصل ۳۵ ق.ا)، حق دفاع در قالب یکی از نتایج اصل ۳۵ قانون اساسی، حق علنی بودن محاکمات (اصل ۱۶۵ ق.ا)، اصل مستدل و مستند

و وضعیت مالی هر یک از طرفین دعوا مدیریت می‌شود. قاضی باید اطمینان یابد دعوا به سرعت و به درستی مورد قضاوت قرار می‌گیرد. دادرس از این پس علاوه بر حق‌گذاری، مسئول توضیح امکانات دادگستری بین اصحاب دعوا نیز است. توزیع امکانات باید با ملاحظه ویژگی‌های خاص هر دعوا و با در نظر گرفتن سایر پرونده‌ها انجام گیرد؛ چنان‌که امکانات مزبور به برخی دعاوی خاص اختصاص نیابد (کوچر و همکاران، ۱۹۹۸، ۳).

## ۵-۲. دعاوی «مدنی»

### ۵-۲-۱. در حقوق ایران

متین دفتری، دعوی را این‌گونه تعریف می‌کند: «دعوی عبارت از عملی است که برای تثبیت حقی انجام می‌شود؛ یعنی حقی که مورد انکار یا تجاوز قرار گرفته است» (متین دفتری، ۱۳۸۱، ۲۰۹). جعفری لنگرودی نیز دعوی را چنین تعریف کرده است: «الف: منازعه در حق معین را گویند؛ ب: ادعای مدعی که دعوی به معنی اعم نامیده می‌شود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۲۹۰). کاتوزیان نیز دعوی را این‌گونه تعریف می‌کند: «دعوی حقی است که به موجب آن اشخاص می‌توانند به دادگاه مراجعه و از مقام رسمی بخواهند که به وسیله اجرای قانون، از حقوق‌شان در برابر دیگری حمایت شود» (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۱۱۷). شمس با بررسی بیشتری گفته است: «دعوی در قوانین در سه مفهوم مختلف به کار می‌رود: اول، دعوی توانایی قانونی مدعی در حق تضييع یا انکارشده در مراجعه به مراجع صالح در جهت وارد بودن یا نبودن ادعا و ترتب آثار قانونی مربوط است. دوم، دعوی در بعضی مقررات، به مفهوم منازعه و اختلافی آمده است که در مرجع قضاوتی مطرح شده

بودن آرای دادگاه (اصل ۱۶۶ ق.ا)، استقلال دادرس (اصل ۱۶۴ ق.ا)، رسیدگی و صدور حکم طبق قانون (اصل ۱۶۷ ق.ا) (صانعی، ۱۳۸۱، ۳۸۳).

## ۵-۱-۲. در حقوق انگلیس

شناسایی ارزش بنیادین برای برخی از اصول دادرسی، این اصول را از اصول کلی حقوقی متمایز می‌کند و این تمایز در نقش و کارکرد آن‌ها ظاهر می‌شود. قانون‌گذار می‌تواند هرچند به صورت استثناء، اصول کلی حقوقی دادرسی را نقد و مقرراتی برخلاف آن‌ها وضع کند؛ اما اصول کلی حقوق دادرسی که ارزش بنیادین دارند جایگاهی بالاتر از قانون می‌یابند. به همین دلیل، قانون‌گذار در وضع قانون باید به این اصول احترام بگذارد و تصویب قانون مغایر با این اصول به معنای نقد قانون اساسی است. در راستای رعایت اصول راه‌بردی دادرسی در حقوق انگلیس از سال ۱۹۹۸ و با لازم‌الاجرا شدن قواعد آئین دادرسی جدید نقش بیشتری به دادرس در مدیریت پرونده‌ها اعطا شده است. کد جدید آئین دادرسی مدنی انگلستان، مفهوم مدیریت پرونده توسط دادرس را وارد حقوق موضوعه این کشور کرد: آماده کردن پرونده برای جلسه رسیدگی زیر نظر قاضی. مدیریت صحیح پرونده به دادگاه اختیار می‌دهد تا از تساوی اصحاب دعوا در استفاده از امکانات دادگستری در جریان دادرسی اطمینان حاصل کند (آندریوس، ۲۰۱۱، ۸-۳). افزون بر این، مراحل آماده‌سازی پرونده و تحقیق، با نظارت دادرس انجام می‌گیرد و با حذف اقدامات غیر مفید و کاستن از زمان تحقیق، به طرز چشم‌گیری در کاهش هزینه‌های دادگستری مؤثر است. هر پرونده به تناسب با موضوع دعوا و میزان خواسته، اهمیت دعوا و پیچیدگی موضوعات مطروحه

عمومی، شباهت دارد(هرمزی و دیگران، ۱۳۹۷، ۳۱۸).

تعریف قانون آئین دادرسی مدنی انگلیس از دعوی به حقیقت نزدیک تر است؛ زیرا تعریف یادشده نزاع را از زاویه هر دو طرف دعوی نگاه می کند و خواهان مدعی حقی از خواننده و خواننده منکر وجود چنین حقی است. این تعریف با نظر فقهای اسلامی درباره مدعی و منکر نیز مشابهت هایی دارد.

### ۵-۳. مبنا، ماهیت و جایگاه عدالت و انصاف در دادرسی مدنی

مراعات عدالت و انصاف باید مبتنی بر توجیهی باشد که از یک سو لازمه دادرسی و از سوی دیگر، مقبول منطق سلیم باشد. بنابراین، می توان تصور کرد اختلافات و مباحثی در این باره که عدالت و انصاف از چه چیزی نشئت می گیرد و چرایی آن چیست، مطرح باشد. نظریاتی که فی البداهه می توان ارائه کرد، عدالت و انصاف با هدف نیل به واقعیت یا با هدف صرف حل و فصل اختلافات و یا به قصد مراعات برابری در رابطه با طرفین اختلاف است. تفاسیر مختلف و گاه کاملاً متعارضی از عدالت و انصاف در طول تاریخ ارائه شده است که هر کدام به نوبه خود در اصلاح نظام های مختلف دادرسی یا تکمیل وضعیت موجود مؤثر بوده است (محسنی، ۱۳۸۵، ۹-۱۳۰).

در عصر رنسانس، گروسیوس، کسی که نظریه بنیادینی را در حقوق بین الملل به جای گذاشت، و باکون که از قضات عالی رتبه انگلیس بود، فقدان تعریف و احصای حقوق بنیادین بشر را که در آرای فیلسوفان یونانی متقدم و فلاسفه غربی قرون وسطی مشهود بود تا حدودی جبران کردند. گروسیوس بر حق دفاع از خود، مالکیت خصوصی، حق مردم در

و تحت رسیدگی بوده یا می باشد. بنابراین دعوی، بدین مفهوم زمانی محقق می شود که دعوی در معنای اول (حق قانونی اقدام) به وجود آمده و دارنده حق، آن را اعمال کرده و در معرض رسیدگی مرجع قانونی قرار داده باشد. سوم، دعوی در بعضی موارد به معنی ادعا به کار می رود که منظور ادعایی می باشد که در مرجع قضاتوی مطرح نشده و یا ادعایی که در خلال رسیدگی به عنوان امر تبعی مطرح می شود» (شمس، ۱۳۸۵، ۳۱۱-۳۱۰). به نظر می رسد تعریف اول، تعریف حق دادخواهی و تعریف دوم، تعریف دعوی به مفهومی است که در دادرسی مدنی مطرح است.

### ۵-۲-۲. در حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس نیز به نظر می رسد دعاوی مدنی که به تبعیت از دعاوی عمومی در دادگاه های کیفری اقامه می شوند دارای ماهیت مدنی هستند که برای تحصیل سریع جبران خسارت ناشی از جرم با حداقل هزینه مطرح می شوند. موضوع دعاوی خصوصی در معنای عام کلمه، علاوه بر درخواست ضرر و زیان، شامل هزینه دادرسی، اعاده وضع به حال سابق و استرداد اموال حاصل از جرم نیز است. نیز مشخص شد که برای استرداد اموال و اشیای حاصل از جرم، شرایطی شامل موجود بودن عین مال، منقول بودن و امکان تسلیم ضروری است و برای مطالبه آنها نیازی به تقدیم دادخواست نیست. دعاوی خصوصی ناشی از جرم در مقایسه با دعاوی عمومی، نقاط افتراق و اشتراکی دارد و از نظر هدف، مدعی، مدعی-علیه و صلاحیت با دعاوی عمومی، متفاوت است و از منظر منشأ و صالحیت دادگاه کیفری، به دعاوی

مشروط بر اینکه قانون شفاف و برخاسته از اراده آزاد ملت باشد.

در حقوق ایران، ماده ۳ قانون آئین دادرسی مدنی آنجا که ادله حکمی دادرسی مدنی را بر می‌شمارد، درصدد بیان «اصل قانونی بودن دادگستری» و آنجا که دادرس را از بهانه‌جویی برای خودداری از احقاق حق منع می‌کند، مبین «حق ملت برای دسترسی به دادگستری» است. دست‌کاری در ماده ۳ پیشین با اهدافی نامعلوم یا حداقل غیرحقوقی، منتهی به تحریف مفاد ماده و دور شدن نسبی آن از آرمان‌های فوق شده است. احصای ادله حکمی، یعنی آن دسته از ادله‌ای که دادرس در مقام تعیین تکلیف حق استناد به آن‌ها را دارد، از اوصاف عمومی تمامی نظام‌های دادرسی است و هدف از آن شفافیت نظام قضایی و اجتناب از سوءاستفاده و اعمال عقاید شخصی در مقام تعیین تکلیف قضایی است. وقتی همه به‌طور یکسان در حمایت قانون باشند (اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، لازم است مقررات مشخصی در قالب مستند حمایت یکسان وجود داشته باشد تا بساط سوءاستفاده، حزب‌گرایی و اعمال عقیده در مقام «قضاوت» که اساساً باید فارغ از مسائل حاشیه‌ای باشد، برچیده شود (متین‌دفتری، ۱۳۴۸).

به‌نظر می‌رسد در حقوق انگلیس نظام دادرسی که تنها مرجع مجاز برای قضاوت به‌شمار می‌آید، ممکن است با استفاده نادرست از قدرت خود، از طریق اعمال تشریفات غیر قانونی یا استناد به ادله‌ای که در معرض ابهام یا اختلاف قرار دارند؛ در مظان اتهام به «تمسک به ابزار قانونی برای اهداف غیر قانونی» قرار گیرد. زیرا دادرسی، تعیین تکلیف قطعی و قاطع بر مبنای قانون است و اگر بتوان برخی از ابعاد جزئی

قبول یا رد قوانین خاص، منع منازعه، منع سرقت، مسلح بودن نظام اجتماعی به مقررات عادلانه درباره پاداش و مجازات و به‌کارگیری قضاوت برای حل و فصل اختلافات، تأکید ویژه‌ای داشت.

رویه قضایی بدون ورود مستقیم در فلسفه اصول و قواعد و البته زیر تأثیر مستقیم اندیشه‌های حاکم، به‌طور صریح یا ضمنی اقدام به شناسایی اصول راه‌بردی بر اساس منطقی می‌کند که لزوماً بر قانون موضوعه استوار نیست. می‌توان ادعا کرد جزئیات و زیر مجموعه‌های اصول دادرسی، در اساس ساخته مقتضیات عملی دادرسی است که وارد قانون موضوعه نیز شده است (فرانسیس، ۲۰۰۳، ۱۵۶۱).

### ۵-۳-۱. اصول ماهوی دادرسی مدنی

اصول ماهوی دادرسی مدنی همان‌گونه که از عنوان آن بر می‌آید با ماهیت رسیدگی مدنی ارتباط می‌یابند. این اصول درصدد رساندن این مقصود هستند که دادرسی، ماهیتاً و صرف‌نظر از هر گونه تشریفات که در هر پرونده به‌طور خاص لازم‌الرعایه است، از چه اصولی تبعیت می‌کند. اعتبار دادرسی بر مبنای اصول ماهوی بر آن است که کاملاً بر مبنای قانون باشد و تا حد امکان تشریفات، مراحل و نتیجه حاصله، ناشی از چیزی غیر از قانون و برای مثال، عقاید شخصی یا ادله حکمی مورد اختلاف نباشد.

### ۵-۳-۲. اصل قانونی بودن دادگستری

اصل قانونی بودن دادگستری که از اصل حاکمیت قانون ناشی شده است، تضمین‌کننده فرآیند و آثار دادرسی است. به‌گونه‌ای که با رعایت آن، اصل مهم دیگر ماهوی، یعنی اصل قابل پیش‌بینی بودن دادرسی مدنی نیز به‌راحتی قابل حصول است.

است و نوعاً تحقق آن‌ها در مقام عمل، مبین التزام واقعی نظام دادرسی به اصول راهبردی است. به نظر می‌رسد اصل حصر ادله و ممنوعیت دادرسی از تحصیل ادله برای طرفین دعوا که به دادرسی مدنی اختصاص دارد و در نوع کیفری به نوعی تعدیل می‌شود، اصل ضرورت ارتباط ادعا و دفاع، اصل ضرورت معلوم بودن حدود ادعا و دفاع، اصل تغییرناپذیری دعوا پس از طرح آن و اصل معلوم بودن حدود حقوق و تکالیف طرفین دعوا در دادرسی مدنی، از آثار اصل قابل پیش‌بینی بودن دادرسی مدنی محسوب می‌شوند.

#### ۵-۳-۴. اصول دادرسی شکلی در دادرسی منصفانه

#### ۵-۳-۴-۱. اصل تغییرناپذیری دعوا پس از طرح آن

قبل از طرح دعوا، نظام دادرسی اطلاعی از آن ندارد و طبیعی است که طراح آن، می‌تواند به هر دلیل ابعاد مختلف آن را بررسی کند و در خواسته، ادله یا نحوه دعوی خود تغییر ایجاد کند؛ اما پس از طرح دعوا و ثبت دادخواست در دفتر دادگاه، انجام هر گونه تغییری در آن غیرممکن است. بنابراین «تعیین موضوع بستگی به اراده اصحاب آن دارد. معذالک، پس از آنکه این موضوع و به‌طور کلی‌تر، عناصر رابطه حقوقی دعوا تعیین شد، عناصر مزبور از نوعی ثبات و تغییرناپذیری برخوردار می‌شوند. این امر ناشی از قاعده‌ای راهبردی است که تغییرناپذیری دعوا نامیده می‌شود» (اسمیت، ۱۸۸۹، ۷۰۹)

فلسفه برقراری اصل تغییرناپذیری دعوا، قابل پیش‌بینی بودن دادرسی از یک سو و تضمین حقوق

آن را به صلاحدید قضات واگذار کرد، به‌طور قطع نمی‌توان دادرسی را مجاز به ارزیابی اعتبار قانون یا ارزش دلیل شرعی یا نبود مخالفت اصول حقوقی با منابع شرعی دانست.

#### ۵-۳-۳. اصل قابل پیش‌بینی بودن روند و نتیجه دادرسی مدنی

این اصل اقتضا دارد که ادله حکمی، یعنی مستندات که دادگاه در تمام فرآیند دادرسی و رأی صادره، حق و تکلیف استناد به آن‌ها را دارد، احصا شده باشند یا تا حد امکان محدود شوند. بر همین اساس، می‌توان دریافت که یکی از اهداف عمده «اصل قانونی بودن دادگستری»، تضمین «اصل قابل پیش‌بینی بودن» است. بنابراین نوعی رابطه تساوی میان دو اصل برقرار می‌شود. بدین ترتیب که دادرسی قانونی، نوعاً قابل پیش‌بینی است و دادرسی قابل پیش‌بینی، در اساس متکی بر قانون است. این اصل را که یکی از اصول راهبردی مهم در دادرسی مدنی است، می‌توان بر دو مبنای کامل متفاوت مورد تحلیل قرارداد. نخست، تحلیل اصل بر مبنای عدالت نوعی و دوم، تحلیل اصل مطابق با اصل قانونی بودن دادگستری. هر دو تحلیل با مکاتبی از فلسفه و علوم اجتماعی ارتباط می‌یابند. به‌گونه‌ای که مبنای عدالت نوعی را به‌راحتی می‌توان بر پایه استدلال‌های اجتماعی، عرف و فرهنگ توجیه کرد؛ درحالی‌که مبنای قانونی بودن دادرسی بیشتر ریشه در مکاتب فلسفی اثبات‌گرایی، واقع‌گرایی و کارکردگرایی دارد (هیل، ۲۰۱۸، ۱۱-۱۳).

در آئین دادرسی مدنی انگلیس، اصول و راهبردهایی اجرا می‌شوند که مبنای آن‌ها را تنها در قالب اصل قابل پیش‌بینی بودن دادرسی مدنی می‌توان تحلیل کرد. این آثار، تضمین‌کننده دادرسی منصفانه مدنی

یا درخور موضوع بودن دلایل تا ترتیب تحقیقی می‌گویند» (پورطهماسبی فرد و محسنی، ۱۳۹۷، ۷۴).

اصل ضرورت ارتباط میان ادعا و دفاع اقتضا دارد که دفاع، تنها در مقابل ادعایی صورت گیرد که طرح شده است. باید توجه داشت که این موضوع با مسائلی همچون طرح دعاوی مرتبط در دادگاهی واحد و دادرسی توأمان به آن‌ها تفاوت دارد. زیرا اصل مذکور در هر دعوا به‌طور خاص مطرح می‌شود و هدف از آن سامان‌دهی ادعا و دفاع و جهت‌دهی دادرسی به‌سوی هدف مشخص و نتیجه آن پیش‌گیری از اتلاف وقت دادگاه و طرفین و صیانت از حق ادعا و دفاع ایشان است. به‌نظر می‌رسد، با تشخیص محدوده ادعا از طریق مراجعه به دادخواست خواهان و حقوق اعمال‌شده از سوی وی یا خوانده که در صورت جلسه نخست دادرسی منعکس است، به‌خوبی می‌توان محدوده دفاع را نیز مشخص کرد و از بسیاری از مشکلات و ابهامات دادرسی اجتناب کرد.

### ۵-۳-۵. اصل تشریفاتی بودن دادرسی مدنی

دادرسی را باید شکلی از نظم اجتماعی محسوب داشت، حتی اگر قواعدی برای تعیین تشریفات آن موجود نباشد. در حقوق انگلیس اصل تشریفاتی بودن دادرسی مدنی بدین معنا است که فرآیند دادرسی مدنی مجموعه‌ای از تشریفات و آئین‌هایی است که مراعات آن برای نیل به نتیجه‌ای که از دادرسی مورد انتظار است، ضرورت دارد. از بعد تجربه‌گرایی حقوقی در قالب یکی از مبانی مطرح برای اصل تشریفاتی بودن دادرسی مدنی، می‌توان ادعا کرد حقوقی که بدون تشریفات و بدون طی فرآیندی هرچند کوتاه به مرحله اجرا در آید، وجود ندارد و تشریفات حقوقی

خوانده از سوی دیگر است. زیرا وی در مقام دفاع باید حدود ادعا را تشخیص دهد و بر همان اساس آماده اقدام باشد و اگر قرار باشد که حدود خواسته یا ترفندهای طراح دعوا، هر روز تغییر یابد، تضمین حقوق دفاعی خواننده اصلی به محال بدل می‌شود. اصل تغییرناپذیری دعوا در قبال خواننده اصلی و وارد ثالث نیز اجرا می‌شود. در واقع، «اصل ضرورت ارتباط ادعا و دفاع» در قالب یکی از آثار اصل قابل پیش‌بینی بودن دادرسی مدنی در همه ابعاد اجرا می‌شود تا ضامن اجرای عدالت در محاکم دادگستری باشد.

در حقوق ایران، هرچند این اصل به‌طور صریح مورد شناسایی قرار نگرفته است، مواد بسیاری را از قانون آئین دادرسی مدنی می‌توان بررسی کرد که تنها بر طبق اصل مذکور قابل تحلیل هستند. بنا بر ماده ۱۷ ق.آ.د.م. دعوایی که در اثنای رسیدگی از سوی هر شخص طرح شود، «دعوی طاری» نامیده می‌شود و تنها در صورتی همراه با دعوی اصلی قابل رسیدگی است که با آن ارتباط داشته باشد یا دارای یک منشأ باشد (مولودی، ۱۳۹۸).

### ۵-۳-۴-۲. اصل ضرورت ارتباط میان ادعا و دفاع

به‌حکم اصل قابل پیش‌بینی بودن دادرسی مدنی و به‌موجب یکی از آثار آن، یعنی اصل تغییرناپذیری دعوا پس از طرح آن، می‌توان اصل دیگری را پایه‌گذاری کرد که هرچند سابقه‌ای صریح برای آن وجود ندارد، با این حال، لازمه استمرار سالم جریان دادرسی محسوب می‌شود. یعنی هر دلیلی که برای اثبات یا دفاع از ادعا ارائه می‌شود، بنابر اصل ضرورت ارتباط میان ادعا و دفاع، باید «درخور یا به تعبیر بهتر مؤثر در مقام باشد که بدان اصل مؤثر در مقام بودن

تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که با هدف نیل به نتیجه معینی در نظر گرفته شده باشند (آدامز، ۲۰۰۷، ۷۷). در حقوق انگلیس، ذیل قاعده ۲-۱۵ آئین دادرسی مدنی، خواننده در صورتی که متمایل به دفاع از ادعایی باشد که علیه وی طرح شده است، باید دفاعیه خویش را نزد دادگاه ثبت کند. در صورت اقدام نکردن وی در مهلت مقرر در قاعده ۴-۱۵، خواهان این حق را پیدا خواهد کرد که تقاضای دادرسی بدون جلسه رسیدگی یا دادرسی کوتاه را کند که جز در موارد خاص از او پذیرفته خواهد شد. پیش‌بینی تشریفات دفاع و دفاع متقابل به نحوی که به اختصار ذکر شد، برای آن است که تا حد امکان و با تعرض نکردن به سایر اصول راهبردی دادرسی، از جمله اصل قابل پیش‌بینی بودن دادرسی مدنی، دعاوی مرتبط در فضایی یکسان حل و فصل شوند. تحقق این هدف مستلزم قائل شدن صرف حق ادعا، دفاع، ورود یا جلب ثالث است و استفاده نکردن از این فرصت بدون اینکه مسالمت‌آمیز بودن دادرسی را در معرض مخاطره قرار دهد، حسب مورد منجر به سقوط حقوق دفاعی یا نبود امکان و دفاع در دعاوی تحت رسیدگی خواهد بود (الماسی، ۱۳۸۲: ۱۶۴). در حقوق ایران بند ۳ ماده ۳۷۱ قانون آئین دادرسی مدنی رعایت نشدن هر یک از تشریفات، در اصل نقض اصل تشریفات بودن دادرسی مدنی محسوب می‌شود و ممکن است رعایت نشدن اصول دادرسی و قواعد امره و حقوق اصحاب دعوا در حدی باشد که رأی را از اعتبار قانونی بیندازد.

### ۵-۳-۶. اصل تسلط طرفین دعوا بر دادرسی مدنی

در حقوق ایران دادرسی مدنی در مفهوم ترافعی (رقابتی) آن با طرح دعوا از سوی خواهان آغاز می‌شود و جز در امور حسبی نظام دادرسی فی‌البداهه و بدون وقوع اختلاف و منازعه بین حداقل دو شخص، بدان مشغول نمی‌شود. با در نظر گرفتن اصل قابل پیش‌بینی بودن دادرسی مدنی، سلطه طرفین با اطلاع خواننده از دعوا و طرح دعاوی متقابل یا ارائه ادله دفاعی تکمیل می‌شود و پس از آن آثار خود را از حیث مثبت و منفی در پی دارد. از این‌رو اصل تسلط طرفین بر دادرسی مدنی، درباره نظام دادرسی نیز اجرا می‌شود. اجمالاً باید اذعان داشت که دادرسی مدنی، به لحاظ ماهوی با دادرسی کیفری تفاوت دارد و در آن، عدالت دادرسی، بیش از حقیقت‌یابی بر طی دقیق و منصفانه تشریفات قانونی دادرسی استوار است (پورطهماسبی فرد و دیگران، ۱۳۹۷، ۷۵).

در حقوق کشور انگلیس مطابق با اصل تسلط طرفین بر دادرسی مدنی، محکمه برای رسیدگی صلاحیتی ندارد؛ مگر آنکه هر یک از اصحاب دعوا با رعایت شرایط قانونی چنین رسیدگی را از آن بخواهند (گیوردون، ۱۹۵۶، ۵۷). بنابراین، طرفین دعوا هستند که با شروع و طرح خواسته و ادله موضوعی، دادگاه را از یک سو به آنچه می‌خواهند راهنمایی و در سویی دیگر به خواسته خود محدود می‌کنند. اختیار طرفین شامل اقداماتی همچون آغاز دادرسی، جریان و جهت‌دهی رسیدگی، تعیین محدوده دعوا و ختم دعوا پیش از رأی دادگاه می‌شود. محدوده تسلط خواهان با دادخواست تعیین و در جلسه نخست دادرسی با دفاعیات، ادعای متقابل، افزودن یا کاستن از خواسته از سوی شخص خواهان تثبیت می‌شود. اگر بی‌طرفی دادرسی از هر حیث یا حداقل از جهاتی که با اداره دادرسی ارتباط

الزامات استاندارد:

۱) در هر حکم یا دستوری باید نام و عنوان قضایی شخص صادرکننده آن ذکر شود، مگر اینکه: الف) حکم غیر قانونی که در زیر ماده ۱۲،۴ بند ۱ آن وارد شده است (ورود حکم غیر قانونی در جایی است که توسط افسر دادگاه تنظیم شده باشد) یا گواهی هزینه‌های پیش‌فرض که طبق قانون ۴۷،۱۱ به دست آمده است. ب) حکم وارد شده بر اساس مواد قانونی ۱۴،۴، ۱۴،۵، ۱۴،۶، ۱۴،۷ و ۱۴،۹ ورود حکم در پذیرش در جایی که حکم توسط داوری وارد می‌شود. ج) دستور رضایت طبق ماده ۴۰،۶ بند ۲ (دستورهای رضایت صادر شده توسط افسران دادگاه).

۲) و هر حکم یا دستوری باید: الف) تاریخ ارائه یا ساخته شدن آن را داشته باشد. ب) توسط دادگاه مهر و موم شود (GL) (آئین دادرسی مدنی، ۱۹۹۸، ۴۵).

#### ۵-۴-۱. قدرت الزام به صدور حکم یا دستور به طرفین و همچنین وکیل او

در مواردی که یک طرف قرار است حکم یا دستوری به او ابلاغ شود توسط یک وکیل اقدام می‌کند، دادگاه می‌تواند حکم را به خود طرف و یا وکیل او ابلاغ کند.

#### ۵-۴-۲. رضایت طرفین دعوی از احکام صادر شده توسط قضات

۱) این قاعده در مواردی اعمال می‌شود که همه طرفین درباره شرایطی که یک حکم باید بر اساس آن باشد توافق داشته باشند.

۲) یک افسر دادگاه می‌تواند یک حکم یا دستور مورد توافق را وارد و مهر و موم کند (GL) اگر:

ندارد، پذیرفته شود؛ در آن صورت می‌توان ادعا کرد که بی‌طرفی دادرسی در قالب یکی از اصول مهم دادرسی مدنی، مهم‌ترین مبنا برای توجه اصل تسلط طرفین بر این نوع از دادرسی به‌شمار می‌آید (فرحزادی، ۱۳۹۵، ۴۰).

در حقوق انگلیس، صلاحیت اضافه شدن به اطراف دادرسی از اختیارات دادگاه به‌شمار می‌آید. بر طبق قاعده ۲-۲-۱۹ از قواعد آ.د.م انگلیس دادگاه می‌تواند دستور دهد که شخصی به‌مثابه طرف جدید وارد دعوا شود اگر:

الف) افزودن طرف جدید به این دلیل مصلحت داشته باشد که دادگاه بتواند همه مسائل راجع به دعوی واحد را ضمن یک رسیدگی حل و فصل کند.

ب) موضوع واحدی مطرح باشد که طرف موجود دعوا و طرف جدید را باهم به محتوای پرونده مطروحه مربوط کند و افزودن طرف جدید به دعوا برای حل و فصل موضوع مشترک به مصلحت باشد.

برخلاف حقوق انگلیس، در حقوق ایران وارد شدن به دادرسی یا جلب ثالث به دادرسی چندان تحت اختیار دادگاه نیست و دادگاه تنها اگر حسب مورد ورود یا جلب ثالث به‌منظور تبانی یا برای تأخیر دادرسی باشد این حق را دارا است که به دعوی اصلی و طاری جداگانه رسیدگی کند. بنابراین دادگاه از یک سو نمی‌تواند به دعوی ورود یا جلب ثالث رسیدگی نکند و از سوی دیگر، نمی‌تواند راساً شخصی را وارد دادرسی یا جلب کند.

#### ۵-۴. قواعد دادرسی مدنی مربوط به احکام و دستورات

این قوانین مقررات متفاوتی را در رابطه با حکم یا دستور مورد نظر مقرر می‌کند.

۱. حکم یا دستور از روزی که صادر می‌شود یا بعداً تاریخی که توسط دادگاه ممکن است مشخص کند چنین حکمی نافذ می‌شود.

۲. این قاعده درباره همه احکام و دستورها اعمال می‌شود به جز مواردی که ماده ۱۰، ۴۰ (قضاوت علیه یک دولت) اعمال می‌شود.

#### ۵-۴-۴. بهترین زمان مصلحت دیده شده برای اجرای حکم در قواعد دادرسی مدنی

۱. در مواردی که قضاوت و همچنین اجرای حکم بر اساس بخش ۱۷ ماده ۴۸ (۱۸۳۴) یا قسمت ۷۴ ماده ۴۹ دادگاه‌های شهرستان ۱۹۸۴، اجرای حکم باید از تاریخ صدور باشد؛ مگر اینکه:

۱. محکمه می‌تواند در هر زمانی یک لغزش یا قصور تصادفی را در حکم یا دستوری اصلاح کند.

۲. یک طرف می‌تواند بدون اطلاع قبلی درخواست اصلاح کند و زمان اجرا به تعویق بیفتد.

۳. مواردی که دادگاه هم درباره دعوی و هم دعوی متقابل رأی می‌دهد. این قاعده در مواردی اعمال می‌شود که دادگاه برای مبالغ معین هر دو حکم صادر می‌کند. مدعی در مورد ادعای خود و در برابر مدعی در دعوی متقابل.

#### ۵-۴-۵. قواعد دادرسی مدنی در بررسی هزینه‌های دادرسی

قاعده کلی این است که هزینه‌های هر دادرسی یا بخشی از دادرسی وجود ندارد و تمامی هزینه‌ها بر عهده دولت است؛ مگر در مواردی که افراد درخواست تجدید نظر در آرای صادره را دارند و یا برای خود وکیل می‌گیرند. مگر اینکه هزینه‌های وکالت بر

الف) شرایط آن حکم یا دستور در بند ۳ ذکر شده باشد. ب) هیچ‌یک از طرفین شخصاً اصحاب دعوا نباشد. ج) تأیید دادگاه توسط این قوانین، دستورالعمل عملی یا هیچ موردی لازم نیست تصویب قبل از اینکه بتوان یک دستور مورد توافق را صادر کرد.

۳) احکام و دستورهای مذکور در بند ۲ عبارت‌اند از: الف) حکم یا دستوری برای: ۱. پرداخت مبلغی پول (از جمله حکم خسارت یا ارزش کالاها توسط دادگاه تعیین می‌شود). ۲. تحویل کالا با یا بدون امکان پرداخت ارزش کالا.

ب) دستور برای: ۱. هر گونه دادرسی، به‌طور کامل یا جزئی. ۲. توقف مراحل رسیدگی بر اساس شرایط توافق شده، خلعید از دادرسی و اینکه آیا این شرایط در یک برنامه زمانی به سفارش دو طرف در هر جای دیگر ثبت شده است. ۳. توقف اجرای یک حکم، بدون قید و شرط یا به شرطی که پولی که طبق حکم صادر شده است با اقساط مشخص شده در دستور پرداخت قرار گیرد.

۴-کنار گذاشتن یک حکم غیر قانونی که به مرحله اجرا نرسد: ۱. پرداخت پولی که به دادگاه پرداخت شده است. ۲. رهایی از مسئولیت هر یک از طرفین. ۳. پرداخت، ارزیابی یا چشم‌پوشی از هزینه‌ها یا هر گونه تمهید دیگری برای هزینه‌هایی که ممکن است مورد توافق قرار گیرد (آئین دادرسی مدنی، ۱۹۹۸، ۳۵۸).

۵-۴-۳. قواعد دادرسی مدنی مربوط به زمانی که قضاوت یا دستور اجرا می‌شود (اجرای حکم).

دادرسی عادلانه را به رسمیت شناخته است و اصول آن را برشمرده است.

اگرچه دادرسی عادلانه و تضمینات قضایی کم‌وبیش از دیرباز در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف پیش‌بینی شده است؛ اما در پی گسترش حقوق بشر و تأکید بر ارتقا و تضمین انواع حقوق بشر، پیش‌بینی و رعایت دادرسی عادلانه در قالب حق بشری مورد تأکید مجدد قرار گرفت و بعد از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ در اسناد مختلف جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر به رسمیت شناخته شد و دولت‌ها متعهد شدند اجرای آن را تضمین کنند. بدین ترتیب تضمین حق بر دادرسی عادلانه در نظام‌های حقوقی داخلی و همچنین از طریق مکانیسم‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. زمانی می‌توان ادعا کرد حق دادرسی عادلانه تضمین شده است که قوانین داخلی، اصول مختلف دادرسی عادلانه از جمله استقلال دادگاه‌ها و قضات و بی‌طرفی آن‌ها، علنی بودن جلسات رسیدگی، دسترسی برابر همگان به مراجع قضایی ذی‌صلاح، حق دفاع، حق اخذ وکیل و حق بر خدمات حقوقی و مترجم رایگان و غیره را مورد شناسایی قرار دهند و اجرای آن‌ها را تضمین کنند. در وضعیت کنونی نظام حقوقی ایران برخلاف پذیرش اصول دادرسی عادلانه در قانون اساسی و قوانین عادی، تعریف صریحی از این مفهوم ارائه نشده است و تعریف آن با شناسایی اصول دادرسی عادلانه روشن شده است. البته ارائه نشدن تعریف برای حق بر دادرسی عادلانه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز به چشم می‌خورد و ذکر مصادیق و اصول دادرسی عادلانه است که به این مفهوم عینیت بخشیده است. پذیرش و تأکید بر

اساس ماده ۴۸،۵ ارزیابی می‌شوند و اگر یک طرف به ارزیابی دقیق هزینه‌ها توسط دادگاه مجاز اعتراض کند، افسر دادگاه می‌تواند دستور دهد که آن را قاضی هزینه‌ها یا قاضی منطقه‌ای انجام دهد.

در زمانی که فرد یا افرادی بنا به دلایلی موجب طولانی شدن دادرسی بیش از حد انتظار بشوند، تمام هزینه‌های دادرسی آن پرونده باید توسط فرد خاطی به دادگاه پرداخت شود (آئین دادرسی مدنی، ۱۹۹۸، ۳۵۹).

## ۶. نتیجه‌گیری

حق دادرسی عادلانه مشتمل بر مجموعه اصول و قواعدی است که در انواع دعاوی، نحوه رفتار با یک فرد را در برابر دادگاه در مراحل مختلف آن مشخص می‌کند. شناسایی این اصول لازمه اجرای عدالت و اصل برابری انسان‌ها در برابر قانون است و همچنین با اصل تفکیک قوا، استقلال قوه قضائیه و حاکمیت قانون ارتباط دارد. در طول تاریخ با محاکمات و داوری‌هایی مواجه می‌شویم که یا از قوانین و مقررات ظالمانه و ضد انسانی الهام گرفته‌اند یا خواست و اراده حاکم معیار قضاوت‌ها بوده است. عادات و رسوم متداول، مبتنی بر قوانین مشخص نبود و با اصول اخلاقی و انسانی سازگاری نداشت و به دلیل فقدان قانونی واحد، محاکمات با نظر قاضی انجام می‌شد. تاریخ ایران حاکی از اهمیت قانون در این سرزمین بوده است و دین در نهادهای حقوقی موجود تأثیر فوق‌العاده داشته است تا جایی که منشأ و مأخذ حقوق ایران، اسلام شده است. دین اسلام از آغاز ظهور بیش از هر دین دیگر و بیش از هر مکتب دیگر رعایت اصول دادرسی عادلانه را لازم دانسته است. نظام حقوقی ایران نیز به تاسی از دین مبین اسلام

وی در مهلت مقرر در قاعده ۴-۱۵، خواهان این حق را پیدا خواهد کرد که تقاضای دادرسی بدون جلسه رسیدگی یا دادرسی کوتاه را کند که جز در موارد خاص از او پذیرفته خواهد شد. پیش‌بینی تشریفات دفاع و دفاع متقابل، چنان‌که به‌اختصار ذکر شد، برای آن است که تا حد امکان و با نبود تعرض به سایر اصول راه‌بردی دادرسی، از جمله اصل قابل پیش‌بینی بودن دادرسی مدنی، دعاوی مرتبط در فضایی یکسان حل‌وفصل شوند. تحقق این هدف مستلزم قائل شدن صرف حق ادعا، دفاع، ورود یا جلب ثالث است و استفاده نکردن از این فرصت بدون اینکه مسالمت‌آمیز بودن دادرسی را در معرض مخاطره قرار دهد، حسب مورد منجر به سقوط حقوق دفاعی به‌طور کلی یا نبود امکان و دفاع در دعاوی تحت رسیدگی خواهد بود.

در حقوق کشور انگلیس مطابق با اصل تسلط طرفین بر دادرسی مدنی، محکمه برای رسیدگی صلاحیتی ندارد؛ مگر آنکه هر یک از اصحاب دعوا با رعایت شرایط قانونی چنین رسیدگی را از آن بخواهند. بنابراین، طرفین دعوا هستند که با شروع و طرح خواسته و ادله موضوعی، دادگاه را از یک سو به آنچه می‌خواهند راهنمایی و در سویی دیگر به خواسته خود محدود می‌کنند. اختیار طرفین شامل اقداماتی همچون آغاز دادرسی، جریان و جهت‌دهی رسیدگی، تعیین محدوده دعوا و ختم دعوا پیش از رأی دادگاه می‌شود. محدوده تسلط خواهان با دادخواست تعیین و در جلسه نخست دادرسی با دفاعیات، ادعای متقابل، افزودن یا کاستن از خواسته از سوی شخص خواهان تثبیت می‌شود. اگر بی‌طرفی دادرسی از هر حیث یا حداقل از جهاتی که با اداره دادرسی ارتباط ندارد، پذیرفته شود، در آن صورت می‌توان ادعا کرد

اجرای دادرسی عادلانه در نظام حقوقی ایران حکایت از حاکمیت قانون و استقلال قضات و تفکیک قوا دارد. با بررسی تطبیقی به این نتایج دست یافتیم که در آئین دادرسی مدنی انگلیس، اصول و راه‌بردهایی اجرا می‌شوند که مبنای آن‌ها را تنها در قالب اصل قابل پیش‌بینی بودن دادرسی مدنی می‌توان تحلیل کرد. این آثار، تضمین‌کننده دادرسی منصفانه مدنی هستند و نوعاً تحقق آن‌ها در مقام عمل، مبین التزام واقعی نظام دادرسی به اصول راه‌بردی است. اصل حصر ادله و ممنوعیت دادرسی از تحصیل ادله برای طرفین دعوا که به دادرسی مدنی اختصاص دارد و در نوع کیفری به‌نوعی تعدیل می‌شود، اصل ضرورت ارتباط ادعا و دفاع، اصل ضرورت معلوم بودن حدود ادعا و دفاع، اصل تغییرناپذیری دعوا پس از طرح آن و اصل معلوم بودن حدود حقوق و تکالیف طرفین دعوا در دادرسی مدنی، از آثار اصل قابل پیش‌بینی بودن دادرسی مدنی محسوب می‌شوند.

در حقوق انگلیس اصل تشریفاتی بودن دادرسی مدنی بدین معنا است که فرآیند دادرسی مدنی مجموعه‌ای از تشریفات و آئین‌هایی است که مراعات آن برای نیل به نتیجه‌ای که از دادرسی مورد انتظار است، ضرورت دارد. از بعد تجربه‌گرایی حقوقی در قالب یکی از مبانی مطرح برای اصل تشریفاتی بودن دادرسی مدنی، می‌توان ادعا کرد، حقوقی که بدون تشریفات و بدون طی فرآیندی هرچند کوتاه به مرحله اجرا در آید وجود ندارد و تشریفات حقوقی تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که با هدف نیل به نتیجه معینی در نظر گرفته شده باشند.

در حقوق انگلیس، خواننده اگر متمایل به دفاع از ادعایی باشد که علیه وی طرح شده است، باید دفاعیه خویش را نزد دادگاه ثبت کند. در صورت اقدام نکردن

که بی‌طرفی دادرس ببه‌مثابه یکی از اصول مهم دادرسی مدنی، مهم‌ترین مبنا برای توجه اصل تسلط طرفین بر این نوع از دادرسی به‌شمار می‌آید. در حقوق انگلیس، صلاح‌دید اضافه شدن به اطراف دادرسی از اختیارات دادگاه به‌شمار می‌آید. بر طبق قاعده ۲-۲ برخلاف حقوق انگلیس، در حقوق ایران وارد شدن به دادرسی یا جلب ثالث به دادرسی چندان تحت اختیار دادگاه نیست و دادگاه تنها در صورتی که حسب مورد ورود یا جلب ثالث به‌منظور تبانی یا برای تأخیر دادرسی باشد این حق را دارا است که به دعوای اصلی و طاری جداگانه رسیدگی کند. بنابراین دادگاه از یک‌سو نمی‌تواند به دعوای ورود یا جلب ثالث رسیدگی نکند و از سوی دیگر، نمی‌تواند راساً شخصی را وارد دادرسی یا جلب کند.

#### ۷. تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

#### ۸. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

#### ۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## منابع

### منابع فارسی

- محسنی، حسن، «مفهوم اصول دادرسی و نقش تفسیری آن‌ها و چگونگی تمییز این اصول از تشریفات دادرسی در حقوق ایران و انگلیس»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، دوره جدید، شماره‌های ۲۳ و ۲۴ پیاپی ۱۹۲ و ۱۹۳، صص: ۹-۱۳۰، ۱۳۸۵.

- محسنی، حسن، اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه همکاری و در چارچوب اصول دادرسی، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۷.

- متین دفتری، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد سوم، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، دیباچه، چاپ اول، ۱۳۴۸.

- مولودی، محمد، «دعوی اضافی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۵۷، ۱۳۹۸.

- هرمزی، خیرالله؛ مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ علوی، سیدحجت، «ماهیت و آثار طرح دعوی مدنی در محاکم کیفری»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره بیست و دوم، ۱۳۹۷.

### منابع لاتین

- Adams, David M, (2000), *Philosophical Problems in The Law*, Third Edition, Wadsworth, Thomson Learning, P.77.
- Andris Pesudovs, (2018), *The Civil Procedure Principles as The Essential Basis for Undisputed nforcement Of Obligations: Shs Web of Conferences 51, 01011* (2018) Int. Conf. Society. Health. elfare. 2016.
- Andrews, Neil, (2011), *The Three Paths of Justice: Court Proceedings, Arbitration, and Mediation in England*, (London: Springer, 2011).
- Couchez, Et Al, Geard, Jean-Pierre Langlande, Daniel Lebeaue, (1998), *Pricedure Civile*, (Paris: Dalloz, 1998), P.3.

- الماسی، نجادعلی، حقوق بین‌الملل خصوصی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۲.

- ابهری، حمید؛ برزگر، محمدرضا، آئین دادرسی مدنی دعاوی و صلاحیت‌ها، انتشارات مجد، ۱۳۹۸.

- آقای جنت مکان، حسین، حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه (دادگرانه): با تأکید بر قانون آئین دادرسی کیفری ایران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۶.

- پورطهماسی فرد، محمد؛ محسنی، حسن «اصل تسلط طرفین دعوا بر جهات و موضوعات دعوا»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، دوره جدید، شماره ۲۱، شماره پیاپی ۱۹۰، ۱۳۹۷.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق. جلد ۱، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷.

- شمس، عبدالله، آئین دادرسی مدنی، جلد اول، تهران، انتشارات دراک، چاپ یازدهم، ۱۳۸۵.

- صانعی، پرویز، حقوق و اجتماع، رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۱.

- علوی، سیدمحمد، دادرسی عادلانه (بررسی قوانین کاربردی)، انتشارات امجد، ۱۳۹۸.

- فرحزادی، علی‌اکبر، «معرفی اجمالی اصول بنیادی دادرسی در اسلام»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی دانشکده علوم قضایی، سال ۵، شماره ۲۰، ۱۳۹۵.

- کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت‌شده در دعوی مدنی، تهران، نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۶.

- متین دفتری، احمد، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

- Francis Bacon (1561-1626), Francis Bacon, At: In: Stanford Encyclopedia of Philosophy, Principal Editor: Edward N. Zalta, First Published Mon 29 Dec,2003.
- Giver don, Claude, (1956), The Problem of Proof in French Civil Law, Tulane Law Review, Vol.31. 1956-57.
- Hill, Damien Byrne (2018), Class Actions in England and Wales, (London: Sweet & Maxwell, 2018).
- Maclean V, (1947), The Workers Union 1929 At Judicial Intervention in Internal Affairs of Labor Unions, The Unions, The Unions, The Workers Unions. The University of Chicago Law Review, Vol. 14, No,3, Apr.480
- Smith, S, A., (1973), De Judicial Review of Administrative Action, Third Ed, Stevens Sons Limited, London. P.84.
- Smith, George H, (1889), Certainty of Law and Uncertainty of Decisions, American Law Review, Vol. 23, P 707.
- The Civil Procedure Rules (1998). P, 6 <https://www.jstor.org/stable/23246919>.